

مروری بر روابط خارجی ایران با رژیم صهیونیستی

۲۴ مرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۶:۰۲

در اوایل دهه ۴۰ به واسطه ناآرامی‌ها در ایران که سرانجام منجر به واقعه خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید مدتی روابط ایران و رژیم صهیونیستی دچار وقفه شد. اما پس از آنکه شاه توانست مخالفان را سرکوب و رژیم خود را تحکیم کند بار دیگر روابط دو کشور گسترش یافت. روند تجاری رو به رشد ایران و رژیم صهیونیستی، منافع سرشاری را برای رژیم صهیونیستی در بر داشت. در این سال‌ها همکاری‌های نظامی و اقتصادی دو کشور افزایش شدیدی یافت و رژیم صهیونیستی تبدیل به نخستین شریک ایران در مناسبات تجاری شد.

در ۲۴ اسفند ۱۳۲۸، محمد ساعد مراغه‌ای - نخست‌وزیر وقت ایران - با انتشار بیانیه‌ای که در رسانه‌های همگانی بازتاب یافت، شناسایی دوفاکتوری رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. انتشار خبر شناسایی رژیم صهیونیستی از سوی ایران بازتاب گسترده‌ای در دنیای عرب داشت. محافل عرب رفتار ایران را همچون خنجری بر پشت کشورهای عربی تلقی کردند. بیشترین واکنش در این مورد از سوی مصر بود. مطبوعات این کشور حملات سختی را متوجه ایران ساختند و خواستار قطع مناسبات دیپلماتیک کشورهای عربی با ایران شدند. تیگری روابط ایران و مصر به حدی بود که دولت مصر نه تنها از پایین کشیدن پرچم خود به مناسبت تشییع جنازه رضاشاه در قاهره در آوریل ۱۹۵۰ خودداری ورزید، بلکه حتی ملک فاروق مراسم نامزدی خود را برای همان روز تنظیم کرد. اما با روی کار آمدن مصدق در ایران این روند تغییر یافت. پانزده ماه پس از شناسایی رژیم صهیونیستی توسط ایران - در اوایل حکومت مصدق - اعتراضاتی از جانب نمایندگان صورت گرفت و در نهایت کنسولگری ایران در بیت المقدس منحل شد.

کودتای ۲۸ مرداد و آغاز توسعه روابط پهلوی دوم با رژیم صهیونیستی

پس از بازپس‌گیری شناسایی رژیم صهیونیستی از سوی ایران در زمان مصدق، فعالیت چشمگیر نمایندگان رژیم صهیونیستی در ایران و سفرهای مقامات عالی‌رتبه اقتصادی، امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی به تهران و همچنین تحولات خاورمیانه، فکر روابط بیشتر با رژیم صهیونیستی را در ذهن شاه تقویت کرد و شاه تصمیم گرفت تا با افتتاح نمایندگی سیاسی ایران در تل‌آویو موافقت کند. اما این نمایندگی به منظور پنهان‌کاری و ترس از واکنش کشورهای عربی به صورت دفتری در سفارت سوئیس که پیش از آن هم به عنوان حافظ منافع ایران برگزیده شده بود تشکیل و در مکاتبات اداری «برن ۲» نامیده شد. شاه بسیار علاقه‌مند بود در تصریح شناسایی رژیم صهیونیستی اقدام کند. بدین منظور برای اینکه از واکنش کشورهای عربی آگاه شود، در مصاحبه مطبوعاتی روز اول مرداد ۱۳۳۹، درباره شناسایی رژیم صهیونیستی اظهار داشت: این شناسایی سابقاً صورت

گرفته و امر تازه‌ای نیست. منتهی روی جریانات روز و شاید هم صرفه‌جویی چند سال پیش‌نماینده ما از اسراییل احضار شده بود و هنوز هم برنگشته است. ولی این موضوع شناسایی چیز تازه‌ای نیست. ۲

اقدام شاه در بازگشایی کنسولگری ایران در تل آویو و قدس، خشم جمال عبدالناصر رهبر مصر را شعله‌ور ساخت. به ویژه آنکه تاریخ اعلان این بازگشایی ۲۳ ژوئیه ۱۹۶۰ هم‌زمان با سالروز انقلاب مصر بود، که نهایت توهین به ناصر تلقی می‌شد. ناصر در ۲۶ ژوئیه در سخنرانی خود علیه شاه ایران گفت: شاه ایران عقده مصدق را در سینه دارد... همان مصدق که نفوذ بیگانگان را در کشور ایران از میان برد و شاه با کمک استعمار به انقلاب او خاتمه داد. شاه خود را با قیمتی ارزان به امپریالیسم فروخته است... ما می‌دانیم ملت ایران زیر سلطه استعمار نخواهد رفت و این امکان برای صهیونیسم جهانی نیست که در ایران حکومت کند. ما سفارت خود را در ایران تعطیل می‌کنیم و منتظر روزی می‌شویم که ایران از ارتجاع فساد و انحراف آزاد شود و آن‌گاه دوباره سفارت خود را به روی مردم شریف ایران می‌گشاییم. ۳ اگرچه شاه شخصا به این اظهارات ناصر واکنشی نشان نداد ولی وزارت امور خارجه ایران واکنش تندی به عمل آورد و با صدور اعلامیه‌ای ناصر را فرعون احمق و اظهارات او را جنون‌آمیز توصیف کرد. در این اعلامیه آمده بود: شب گذشته خبرگزاری‌های خارجی بیانات جنون‌آمیزی از جمال عبدالناصر پخش کردند که طی آن به نهادهای مقدس ایران اهانت به عمل آمده بود. این فرعون احمق مصری واقعیت‌های موضع حکومت شاهنشاهی ایران را مشوش جلوه داده است. گو اینکه اظهارات احمقانه شرارت‌انگیز و بی‌ارزش جمال عبدالناصر در شأن یک دولت نمی‌باشد ولی موجب تعجب شاهنشاه نیست. چرا که خوب می‌دانند این مرد از طریق غیرقانونی به قدرت دست یافته است. ۴

در یک تحلیل کلی می‌توان گفت که در این سال‌ها ایران و مصر به خودی خود در مقابل هم قرار نمی‌گرفتند بلکه مواضع و سیاست‌های امریکا و شوروی در منطقه باعث می‌شد که این دو کشور رودروری هم قرار بگیرند. جنگ سرد میان دو قطب و رقابت ایدئولوژیک سیاسی و نظامی که میان دو قطب وجود داشت در تلاش شرق و غرب برای جذب کشورهای منطقه به سوی خود اثر زیادی گذاشته بود و روابط میان کشورهای منطقه از جمله ایران و مصر را تحت تأثیر خود قرار داده بود. در واقع دو کشور ایران و مصر با قرار گرفتن در کمربند شکننده خاورمیانه، دست‌خوش رقابت دو ابرقدرت شده بودند. در این میان مسائل منطقه‌ای نیز زمینه را برای گسترش تیرگی روابط دو کشور فراهم ساخت. درگیری مصر در سیاست‌های عربی منطقه، به ویژه پس از پیمان بغداد، هویت مصر به شدت با عربیسم درهم آمیخت و این سیاست باعث صراحت مصر در سیاست خارجی خود و بی‌احتیاطی در سیاست‌هایش نسبت به ایران شد. این اختلاف، بر سر مسئله رژیم صهیونیستی به اوج خود رسید و منجر به قطع روابط شد. در این زمان وجود یک نظام شاهنشاهی محافظه‌کار طرفدار غرب در ایران و یک نظام انقلابی در مصر با رهبری یک شخصیت رادیکال چون ناصر به افزایش تنش‌ها کمک می‌کرد؛ زیرا ایران و مصر در تمام این مسائل منطقه‌ای اختلاف‌نظرهای بسیاری داشتند که موجب واکنش و عملکردهای متفاوت و متضاد آنها در برابر مسائل می‌شد.

جنگ شش‌روزه اعراب و رژیم صهیونیستی و موضع پهلوی دوم در قبال آن

در اوایل دهه ۴۰ به واسطه ناآرامی‌ها در ایران که سرانجام منجر به واقعه خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید مدتی روابط ایران و رژیم صهیونیستی دچار وقفه شد. اما پس از آنکه شاه توانست مخالفان را سرکوب و رژیم خود را تحکیم کند بار دیگر روابط دو کشور گسترش یافت. ۵ روند تجاری رو به رشد ایران و رژیم صهیونیستی، منافع سرشاری را برای رژیم

صهیونیستی در بر داشت در این سال‌ها همکاری‌های نظامی و اقتصادی دو کشور افزایش شدیدی یافت و رژیم صهیونیستی تبدیل به نخستین شریک ایران در مناسبات تجاری شد. در این زمان نفت ایران برای رژیم صهیونیستی اهمیت زیادی داشت و رهبران این کشور تمام تلاش خود را برای تداوم جریان عادی و مطمئن آن به کار می‌بستند. ارسال نفت ایران به رژیم صهیونیستی در این سال‌ها نقش مهمی در دشمنی مصر با ایران داشت. لئونارد بایندر در این باره می‌نویسد: یکی از عوامل قطع رابطه سیاسی ایران و مصر این بود که ایران مقادیر زیادی نفت به اسرائیل می‌داد و از آن طرف کالاهای اسرائیل وارد می‌کرد.^۷

پی نوشتها:

۱. علیزاده، حسین، بررسی توصیفی و تحلیلی تاریخ روابط ایران و مصر (دو قدرت منطقه‌ای خاورمیانه)، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، ۱۳۸۴، صص ۲۴-۳۵
۲. زارع، رضا، ارتباط ناشناخته بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل (۱۳۲۷-۱۳۵۷)، چاپ اول، تهران، نظر، ۱۳۸۴، ص ۸۱
۳. اختریان محمد، نقش امیر عباس هویدا در تحولات اجتماعی ایران: تهران علمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷
۴. علیزاده، پیشین ص ۵۹
۵. هوشنگ مهدی‌عبد الرضا، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۷۵۳۱-۰۰۳۱، چاپ ششم، تهران: پیکان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴
۶. زارع، پیشین، ص ۱۳۲
۷. گلجانه مهدی‌عباس نوذری، ژئوپلیتیک ایران در دوران جنگ سرد، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49300> صهیونیستی-رژیم-ایران-خارجی-روابط-مروزی